**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه230– 15 /11/ 1398 استدلال به آیه‌ی چهار سوره‌ی طلاق /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

﴿وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئي‏ لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرا﴾[[1]](#footnote-1)

آیه را این طور معنا کردیم که اگر زنی یاس شخصی دارد و شک کردید که این یاس شخصی ناشی از یاس نوعی یا سبب دیگری می باشد، این زن باید سه ماه عده نگه دارد.

# روایت ذیل آیه‌ی چهار سوره‌ی طلاق

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ عِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ قَالَ‏وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ مَا الرِّيبَةُ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَى شَهْرٍ فَهُوَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ وَ مَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حِيَضٍ فَعِدَّتُهَا ثَلَاثُ حِيَض‏[[2]](#footnote-2)

اگر حیض از زمان مقررش یک ماه بیشتر تاخیر بیفتد، ریبه خواهد بود.

اشکال این است که اگر ریبه در مورد زنی است که مایوس از خون دیدن می باشد و نمی داند دیگران در این سن خون می بینند یا نمی بیینند؛ در این صورت تاخیر یک ماه چه ارتباطی با ارتیاب نسبت به یائسه بودن نوعیه دارد؛ زیرا آیه بیان می کند که به خاطر ویژگی خود زن ارتیاب حاصل شده است و این زن مایوس از حیض دیدن می باشد.

اشکال دیگر این است که فرض کنید زنی یائسه‌ی شخصی شده است و نمی داند پنجاه سالش است که یائسه شده باشد یا چهل و نه سالش است که یائسه نشده باشد، آیا یک ماه خون ندیدن اماره‌ی یائسه شدن و پنجاه ساله شدنش می باشد؟

با معنایی که برای آیه بیان شد ( در خلاصه‌ی مباحث گذشته)، این دو اشکال وجود دارد.

اما معنای دیگری هم برای آیه بیان کرده بودیم که با مقدمه ای آن معنا را بیان می کنیم.

در آیه می فرماید: وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ یعنی زنانی که امید حیض دیدن ندارند.

سپس می فرماید: إِنِ ارْتَبْتُمْ اگر منظور از ارتیاب، ارتیاب در حیض دیدن باشد، با يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ قابل جمع نیست.

بعضی این مطلب را قرینه قرار داده اند که إِنِ ارْتَبْتُمْ یعنی ان جهلتم حکمهن؛ عامه و سید مرتضی آیه را چنین معنا کرده اند.

اما به نظر می رسد إِنِ ارْتَبْتُمْ با يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ قابل جمع است. همان طور که در مثال القاتل المشکوک، قاتل و مشکوک قابل جمع هستند و گفته نمی شود این قاتل، قاتل بودنش مسلم است؛ زیرا این مفرد را باید با توجه به المشکوک معنا کرد که به معنای شخصی است که قاتل بودنش مشکوک است در آیه هم در واقع منظور از اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ، الیائسات المشکوکة می باشد، یعنی زنی که یائسه بودنش مشکوک است.

در این صورت روایت بیان گر یک شرط زائد شرعی است، شک در یائسه شدن زن برای بار کردن احکام مشکوک الیاس کافی نیست، بلکه باید این شک مستقر شود تا بتوان آن احکام را بار کرد و استقرار شک با تاخیر یک ماه از زمان حیض دیدن حاصل می شود.

این معنا در استدلال ما بر وجوب عده بر زنی که رحمش را خارج کرده اند، تاثیری ندارد؛ زیرا آیه بیان گر این مطلب است که مشکوکة الیاس به منزله‌ی کسی است که یقین به عدم یاس دارد.

عدم یاس، موضوع برای وجوب واقعی عده‌ی سه ماهه برای زنی است که حیض نمی بیند و شارع مقدس این حکم واقعی را در ظرف شک به صورت ظاهری بار کرده است.

فرض کنید شارع فرموده است: المشکوک البولیة نجس، که به این معناست که یک حکم واقعی برای بول وجود دارد و شارع مقدس حکم واقعی که برای بول واقعی وجود دارد، برای مشکوک البولیة هم ظاهرا این حکم را قرار داده است.

به تعبیر شهید صدر، ملاک حکم واقعی به درجه ای از اهمیت می باشد که حتی در ظرف شک هم شارع فرموده است باید آن ملاک را ظاهرا رعایت کنید.

در نتیجه اصل اولی با توجه به آیه این است که غیر یائسه ای که حیض نمی بیند، عده اش سه ماه می باشد؛ حال باید بررسی کنیم آیا دلیلی وجود دارد که عموم آیه را تخصیص زند؟

## روایات بحث

ابتدا به روایاتی می پردازیم که احتمال دارد مخصص عموم آیه باشند.

### روایت اول

رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الَّتِي قَدْ يَئِسَتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ‏ مِثْلُهَا قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ.[[3]](#footnote-3)

### روایت دوم

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الَّتِي‏ لَا تَحْبَلُ‏ مِثْلُهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا.[[4]](#footnote-4)

1. سوره طلاق، آيه 4. [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/عثمان) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص66.](http://lib.eshia.ir/10083/8/66/عمیر) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص85.](http://lib.eshia.ir/11005/6/85/تحبل) [↑](#footnote-ref-4)